

دکتر الین فیلیپس، ادبیات عهد عتیق، سخنرانی ۱۲، تورات، مدنی و اجتماعی

الین فیلیپس و تد هیلدبرانت ۲۰۲۴ ©

خب، صبح بخیر. آرامش مسیح با شما باد. من می‌خواهم خودمان را از عذاب سرود خواندن خلاص کنم. بالاخره صبح دوشنبه است.

آیا این ناامیدکننده نیست؟ به هر حال، ما با یک مزمور شروع خواهیم کرد، اما قرار نیست امروز صبح آن را بخوانیم. این مزمور کاملاً مربوط به عدالت است و ما امروز در مورد تورات اجتماعی و مسائل عدالت بحث می‌کنیم. بنابراین، اگر مایلید به مزموری که در آنجا یادداشت کرده‌ام، یعنی مزمور ۸۹، مراجعه کنید.

و می‌دانم که این را از یک متن بسیار بزرگتر و شگفت‌انگیز برمی‌دارم، اما اجازه دهید آیات ۱۴ و ۱۵ را برای شما بخوانم. عدالت و انصاف پایه و اساس تخت تو هستند. اجازه دهید دوباره این کار را انجام دهم.

عدالت و راستی پایه و اساس تخت تو هستند. عشق و وفاداری، که همان حَسَد و اِمَوْنَه هستند، دو اصطلاح مهمی هستند که احتمالاً هم در سخنرانی ما و هم در مطالعه‌ی دکتر ویلسون با آنها برخورد داشته‌اید. عشق و وفاداری پیشاپیش شما هستند.

و سپس، در آیه ۱۵، خوشا به حال کسانی که یاد گرفته‌اند تو را ستایش کنند، کسانی که در نور حضور تو گام برمی‌دارند، ای پروردگار.

بیایید در شروع، زمانی را برای دعا با هم اختصاص دهیم.

ای خدای مهربان، پدر آسمانی ما، در آغاز این هفته با هم دعا می‌کنیم که تو واقعاً به ما کمک کنی تا در نور حضورت گام برداریم، تو را به عنوان خالق جهان پرستش کنیم، و فروتن باشیم، زیرا تشخیص می‌دهیم که نجات ما از طریق مسیح چقدر شگفت‌انگیز است و ما چقدر بی‌لیاقت هستیم.

پدر، به ما کمک کن تا نه تنها در این ساعت، بلکه در چیزهایی که تو به ما توانایی یادگیری‌شان را داده‌ای، با شادی مطالعه کنیم. پدر، ما برای کسانی که حالشان خوب نیست دعا می‌کنیم که سلامتی‌شان را به آنها بازگردان. برای کسانی که با مسائل، چالش‌ها، ترس‌ها و ناامیدی‌های عمیق دست و پنجه نرم می‌کنند دعا می‌کنیم که با روح خود آنها را توانمند سازی و واقعاً به خود نزدیک کنی.

ما برای خانواده‌هایمان دعا می‌کنیم و از تو مراقبت و محافظت می‌خواهیم. ما برای رهبران در هر سطح از حکومت در کشورمان دعا می‌کنیم. ای پروردگار، به آنها حکمت خود را عطا فرما.

مسائل چالش برانگیز زیادی برای رسیدگی وجود دارد و آنها قطعاً به خرد شما نیاز دارند. و ما از شما برای نقاط مشکل دار در سراسر جهان درخواست می‌کنیم که در رحمت و لطف خود نیروهای خصومت را سرکوب کنید. پروردگارا، ما می‌دانیم که این یک دستور عظیم است. ما می‌دانیم که شما خدای دانای کل، کامل و باشکوه هستید. و بنابراین، ما به عنوان پروردگار جهان، این چیزها را می‌خواهیم و آنها را به نام مسیح با شکرگزاری می‌خواهیم. آمین.

خب، امروز به سراغ تورات اجتماعی و مدنی می‌رویم. و البته متوجه خواهید شد که آن تعادل هوشمندانه و ظریف در پس‌زمینه وجود دارد، و من می‌خواهم شما فقط آن را ببینید. این برای بحث ما در مورد تورات، که مربوط به مسائل عدالت اجتماعی است، مناسب است.

.اونجاست. یه کم مبهمه، اما هست. برای شروع یه سوال دارم.

سوال مروری. این یک سوال چند گزینه‌ای است. حتی می‌تواند از آن نوع سوالاتی باشد که ممکن است در امتحان پیش رو ببینید.

شما هرگز نمی‌دانید. بنابراین، برای اهداف تورات مدنی و اجتماعی، دوباره به یاد داشته باشید که ما سه دسته تورات داریم زیرا آنها به ما کمک می‌کنند تا در مورد این مسائل فکر کنیم، نه به این دلیل که مرزهای انعطاف‌ناپذیری دارند. بسیار خوب.

خب، حالا رسیدیم. مرور کنید. آیا این یک تورات اجتماعی و مدنی است که برای تنظیم دستورالعمل‌های اخلاقی جهت مهار زیاده‌روی‌های اراده‌ی فردی طراحی شده است؟ آیا برای ساختاردهی به رفتار اجتماعی خب، بله، اجتماعی و فراهم کردن زمینه‌ی اجرای صحیح عدالت طراحی شده است؟ آیا برای نشان دادن این است که تمام زندگی در حضور خداست، یا برای ایجاد محیطی برای نزدیک شدن ما به خدای مقدس؟ کدام یک؟ کسی یادش هست؟ چه کسی با اولی موافق است؟ دومی.

.داره رأی جمع می‌کنه. سومی. اونجا چند تا رأی هست.

.چهارمی. باشه. قراره بین دو تا سه باشه، مگه نه؟ بفرمایید.

این دقیقاً همان عبارت دفعه‌ی قبل ماست. تورات مدنی-اجتماعی. و باز هم، این دسته‌بندی‌ای است که ما انتخاب کرده‌ایم تا حدودی مرزهایی را پیرامون این موضوع تعیین کنیم تا به ما در صحبت در مورد آن کمک کند.

.تورات مدنی-اجتماعی. من حتی نمی‌توانم صحبت کنم. این برای ساختاردهی به رفتار اجتماعی است.

به عبارت دیگر، به ما راه‌هایی برای عملکردمان در جوامع بدهید، زیرا این جایی است که برای زندگی در آن طراحی شده‌ایم، و سپس اجرای صحیح عدالت را فراهم کنید. مورد سوم و چهارم در واقع بیشتر مربوط به تورات آیینی و تشریفاتی است که به خواست خدا، قرار است روز چهارشنبه در مورد آن صحبت کنیم. پس بفرمایید.

یکی از چیزهایی که امروز از همان ابتدا خواهم گفت این است. خب، چند نفر از شما دوره‌ای در مورد حکومت آمریکا گذرانده‌اید؟ جایی. کلاس علوم مدنی کلاس نهم یا چیزی شبیه به آن.

.باشه. خیلی خب. یا شاید حتی اینجا.

کاری که امروز می‌خواهم انجام دهم این است که حداقل در ابتدا، بین آنچه در مورد سیستم حکومتی ما می‌دانید و آنچه خوانده‌اید، به ویژه فصل‌های مربوط به خروج و تثبیت، فصل‌های تعیین‌شده در آنجا، به تضاد فکر کنید. زیرا، در اصل، کاری که قرار است در ۵۰ دقیقه آینده انجام دهیم، صحبت در مورد حکومت بنی‌اسرائیل حدود ۳۵۰۰ سال پیش است. و من می‌خواهم در مورد آن فکر کنیم.

بیشتر کاری که قرار است انجام دهیم، حداقل برای ۱۵ یا ۲۰ دقیقه اول، این یک انحراف زمانی است، درست را پیدا کردم. امیدوارم بتوانیم بحث خوبی در این مورد O حداقل برای ۱۵ یا ۲۰ دقیقه اول، من پایان داشته باشیم. امیدوارم از چیزهایی که می‌دانید، چه از نظر تجربه خودتان با سیستم دولتی خاص ما، استفاده کنید. سپس، ما در مورد طرح کلی سخنرانی صحبت خواهیم کرد.

من اطلاعات زیادی در مورد دسته‌بندی برخی از این موارد به شما داده‌ام. بنابراین قرار نیست در مورد چیزی که شبیه لیست خرید مواد غذایی است صحبت کنم. واقعاً همینطور است.

می‌توانید این مطالب را از مطالبی که در بلک‌بورد هست و از مطالبی که اینجا داریم، به دست آورید. اما من دوست دارم، حداقل در ابتدا، یک بحث نسبتاً جذاب داشته باشیم. این لزوماً مسئله‌ی آسانی برای پرداختن نیست.

و خب، بیایید کمی در موردش صحبت کنیم. اول از همه، چند مشابهت باستانی در خاور نزدیک وجود دارد. و دفعه قبل، فکر کنم دفعه قبل بود، گفتم که یکی از چیزهایی که می‌خواستیم روی آن تمرکز کنیم قانون حمورابی بود.

حالا، در مقایسه‌های شما با عهد عتیق، گزیده‌هایی از این را دارید. چیزی که من روبروی خودم دارم یک کتاب غول‌پیکر است. فکر می‌کنم حدود شش پوند وزن دارد.

و این شامل کل قانون حمورابی است. ضمناً، این در بخش مرجع کتابخانه است. اگر می‌خواهید کل آن را بخوانید، اینجا است.

کاری که قرار است از همان ابتدا انجام دهم این است که بخش‌هایی از کد و سپس مطالبی از کتاب خروج را که برای امروز خوانده‌اید، برای شما بخوانم. و بیایید فقط از نظر مقایسه و تضاد فکر کنیم، باشه؟ این اولین کاری است که می‌خواهیم انجام دهیم. پس شروع می‌کنیم.

اتفاقاً دارم با مورد شماره ۱۹۵ شروع می‌کنم. اینجا ۲۸۲ اعلامیه کوچک قانونی وجود دارد. من با ۱۹۵ شروع می‌کنم.

و با دقت گوش دهید تا ببینید چه چیزی متفاوت و چه چیزی مشابه است. اگر پسری پدرش را زده باشد دستش را قطع خواهند کرد. اگر شهروندی چشم یکی از اعضای اشراف را کور کرده باشد، چشمش را کور خواهند کرد.

اگر استخوان شهروند دیگری را شکسته باشد، آنها استخوان او را خواهند شکست. اگر چشم یک فرد عادی را کور کرده یا استخوان یک فرد عادی را شکسته باشد، یک مینا نقره خواهد پرداخت. اگر چشم برده یک شهروند را کور کرده یا استخوان برده یک شهروند را شکسته باشد، نصف ارزش آن را خواهد پرداخت.

اگر شهروندی دندان شهروند هم‌رتبه‌ی خود را شکسته باشد، باید دندان خودش را هم بشکند. اگر دندان یک فرد عادی را شکسته باشد، باید یک سوم مینا نقره بپردازد. و این روال ادامه دارد.

بگذارید کمی از اینجا بگذرم. اگر شهروندی دختر شهروند دیگری را بزند و باعث سقط جنین او شود، باید 10 بشکل نقره برای جنین بپردازد. اگر آن زن مرده باشد، دختر شهروند را اعدام می‌کنند.

اگر با ضربه‌ای باعث سقط جنین دختر یک فرد عادی شود، باید پنج شیکل نقره بپردازد. اگر آن زن مرده باشد، باید نیم مینا نقره بپردازد. در ادامه درباره آنچه در مورد یک برده زن نیز اتفاق می‌افتد، صحبت می‌شود.

و فکر می‌کنم، خب، یک چیز دیگر هم اینجا خواهیم خواند. اگر سازنده‌ای برای شهروندی خانه‌ای بسازد اما کارش را محکم نکند، خانه‌ای که ساخته فرو می‌ریزد و باعث مرگ صاحب خانه می‌شود و سازنده محکوم به اعدام می‌شود. اگر باعث مرگ پسر صاحب خانه شده باشد، پسر آن سازنده را محکوم به اعدام می‌کنند.

اگر باعث مرگ برده‌ای شده باشد، او باید برده‌ای را به جای برده به صاحب خانه بدهد. اگر اموالی را از بین برده باشد، او باید هر آنچه را که از بین رفته است، جبران کند. همچنین، از آنجایی که او خانه‌ای را که ساخته بود، محکم نساخته و فرو ریخته است، او باید خانه‌ای را که فرو ریخته است، با هزینه خود بازسازی کند.

خب، این حدود ۱۰ مثال از قانون حمورابی است. امیدوارم چیزهایی را متوجه شده باشید که آنتن‌های فکری‌تان را کمی به حرکت درآورده باشد. اجازه دهید فقط چند گزیده از کتاب خروج را برایتان بخوانم.

فصل ۲۱، از آیه ۱۲ شروع می‌شود. هر که مردی را بزند و او را بکشد، قطعاً کشته خواهد شد. اگر عمداً این کار را نکرده باشد، بلکه خدا اجازه داده باشد که این اتفاق بیفتد، باید به مکانی که من تعیین می‌کنم فرار کند.

اما اگر کسی عمداً کسی را بکشد، او را از قربانگاه من بیرون کنید و به قتل برسانید. هر که پدر یا مادر خود را بزند، باید کشته شود. هر که کسی را بدزدد و او را بفروشد یا وقتی دستگیر شد، هنوز او را داشته باشد، باید کشته شود.

هر که پدر یا مادر خود را دشنام دهد، باید کشته شود. اگر دو مرد با هم نزاع کنند و یکی از آنها دیگری را با سنگ بزند یا مشتش نمرده و در رختخواب بماند، کسی که ضربه را زده است، اگر دیگری برخیزد و با عصایش، بیرون برود، مسئول نخواهد بود. با این حال، او باید خسارت زمانی را که به مرد آسیب‌دیده داده است بپردازد.

من می‌خواهم به آیه ۲۲ بروم. نه، من آیه ۲۰ را می‌خوانم. اگر مردی برده مرد یا زن خود را با چوب بزند و برده در نتیجه مستقیم آن بمیرد، باید مجازات شود.

اما اگر برده بعد از یک یا دو روز از خواب بیدار شود، مجازات نمی‌شود زیرا برده متعلق به اوست. اگر مردانی، که در حال دعوا هستند، زن بارداری را بزنند و او زودتر از موعد زایمان کند، اما آسیب جدی وارد نشود مجرم باید به هر میزان که شوهر زن درخواست کند و دادگاه اجازه دهد، جریمه شود. اما اگر آسیب جدی وارد شود، باید جان را در برابر جان، چشم را در برابر چشم، دندان را در برابر دندان، دست را در برابر دست پا را در برابر پا، سوختگی را در برابر سوختگی، زخم را در برابر زخم و کبودی را در برابر کبودی مجازات کنید.

و همانطور که می‌دانید، ادامه دارد. بسیار خوب، بیایید ببینیم آیا می‌توانیم حداقل چند نکته پیدا کنیم که به ما کمک کند تا به صورت مفهومی در مورد برخی از تفاوت‌ها در آن زمینه فرهنگی فکر کنیم، زیرا بگذارید فقط به شما یادآوری کنم که قانون حمورابی مربوط به قرن هفدهم، هجدهم قبل از میلاد است. طول عمر او این دو قرن، یعنی قرن هجدهم، هفدهم را در بر می‌گیرد.

و شریعت موسی، اگر بخوایم با تاریخ موسی پیش برویم، حدود قرن پانزدهم، دهه ۱۴۰۰. ما در آنجا تفاوت‌هایی داریم. اما شما چه شنیدید؟ بیایید ابتدا در مورد شباهت‌ها صحبت کنیم.

«آیا مضامین مشابهی را شنیده‌اید؟ مریم؟ بله، مجازاتِ «کیفر در برابر کیفر»، «چشم در برابر چشم دندان در برابر دندان». «خب، کتاب مقدس می‌گوید، می‌دانید، چشم در برابر چشم، دندان در برابر دندان، و «غیره، و غیره، و به نوعی آن را فشرده می‌کند تا به ما نشان دهد که قرار است این اصل، «کیفر در برابر کیفر» باشد. قانون حمورابی این را به روشنی بیان می‌کند.

برای هر مورد، این را دارید. البته مگر اینکه عوامل دیگری هم دخیل باشند. شباهت دیگری هم وجود دارد؟ نیک؟ بله، شباهت زیادی وجود دارد، اینطور نیست، از نظر اینکه این اتفاق برای زنی که باردار است رخ می‌دهد و نوعی زایمان زودرس اتفاق می‌افتد.

و در مورد آسیب، و در واقع، حمورابی تصریح می‌کند که قرار است به جنین غرامت پرداخت شود. و سپس برخی مسائل مربوط به زندگی در برابر زندگی نیز وجود دارد. اما آیا در آن زمینه، از نظر مجازات، متوجه تفاوتی شدید؟ بله، اگرچه متن خروج نیز کمی مبهم است.

راستش داشتم به چیز دیگه‌ای فکر می‌کردم. متوجه شدید که توی متن حمورابی اگه زن بمیره چی میشه؟ جون کی گرفته میشه؟ آره، دختر. دختر مجرم، که یه جورایی یه تعادل غیرعادی اونجا وجود داره.

واقعاً زندگی در برابر زندگی نیست. زندگی یک زن در برابر زندگی یک زن است، که این معادله را کمی تغییر می‌دهد، اینطور نیست؟ بله. آیا از نظر شباهت‌ها چیز دیگری هم وجود دارد؟ بکا؟ بله، همان جنایات اساسی.

البته، من کمی تقلب کرده‌ام و چیزهایی را که مشابه هستند، انتخاب کرده‌ام. اما شما همان توالی را دارید بنابراین، مسائلی که مربوط به ضرب و شتم افراد، آدم‌ربایی و آسیب به اموال است، همگی در آنجا خواهند بود.

و بنابراین، همه ما ایده‌های اساسی یکسانی در مورد عدالت و اینکه چه چیزی بی‌عدالتی است وقتی که در حق ما انجام می‌شود، داریم. آیا شما هم متوجه شدید؟ ضمناً، این مسیر ما به سمت تفاوت‌هاست زیرا این حوزه‌ای است که در آن هم شباهت‌ها و هم تفاوت‌ها وجود دارد. نشانه‌هایی از قشریندی اجتماعی در هر دو متن وجود دارد، درست است؟ قشریندی اجتماعی، به عبارت دیگر، افراد آزاد در مقابل بردگان، چیزی است که شما خواهید خواند، به خصوص در متن خروج.

و تفاوت‌های جنسیتی در هر دو متن. اما حالا ببینید به برخی از مواردی که از نظر طبقه‌بندی اجتماعی بین حمورابی و متن کتاب مقدس تضاد وجود دارد، نگاهی بیندازیم. چه طبقات مختلف شهروندی، درست نگفتم، چه طبقات مختلفی از مردم را هنگام خواندن من شنیدید؟ نیک، ادامه بده.

و یکی دیگر. خب، اشراف، شهروندان، که در این متن کلمه عجیبی است، اما احتمالاً بهترین ترجمه برای آن است. عوام، یک طبقه عوام هم آنجا وجود دارد.

و در نهایت، بردگان نیز. بنابراین، سطوح مختلفی وجود دارد و البته، بسته به اینکه فرد در کجای کل سیستم طبقاتی قرار می‌گیرد، انواع مختلفی از مجازات‌ها اعمال می‌شود، که از برخی جهات همین است. خب، من بخشی را برای شما نخواندم که در واقع موضوع را فراتر از این ببرد.

در برخی از این طبقات نیز رتبه‌بندی‌هایی وجود دارد. و برخی از مقررات قانونی خاص، نشان‌دهنده‌ی این رتبه‌بندی‌ها هستند. آیا تفاوت‌های دیگری هم شنیده‌اید؟ کمی بیشتر است، بله، ادامه بده، کریستینا.

خب، متن کتاب مقدس می‌گوید اگر برده بلند شود و دوباره بتواند کار کند، مجازاتی ندارد چون او مالِ اوست. حالا، کمی بعدتر به پیامدهایش می‌پردازم، یا حداقل سعی می‌کنم به آن بپردازم. این یکی از آن چیزهایی است که کمی چالش‌برانگیز است.

متوجه شدم که حمورابی پرداخت‌ها را هم مشخص کرده؟ آفرین جینجر. آره، دزدیدن آدم، آدم‌ربایی مجازات اعدام و تقریباً همین‌طور هم هست.

زدن والدین. توجه داشته باشید که کتاب خروج هم شامل زدن پدر و هم شامل زدن مادر می‌شود. مادر هم در این آیه گنجانده شده است، زیرا می‌دانید، اگر او را بزنید، در آن زمینه مقصر هستید.

اما حق با شماست. این یکی از مواردی است که ما متوجه می‌شویم نقض ده فرمان مستحق مجازات اعدام است. و این موارد را دقیقاً همانجا فهرست می‌کند.

خوبه، خوبه. آره، کائلان. گفته بود که آن را نزد داوران ببرند، مگر نه؟ و در واقع، احتمالاً بقیه‌ی این فصل‌های سفر خروج را خوانده‌اید.

واضح است که یک سیستم، شاهدان و غیره و غیره وجود دارد. بنابراین، بیشتر یک سیستم دادگاهی آشکار وجود دارد. حال، با رعایت انصاف در مورد قانون حمورابی، پیشنهاد می‌کنم که این سیستم نیز در پشت آن فرض شده است.

اگرچه این موضوع مستقیماً در بیان این قوانین خاص گنجانده نشده است. خب، بیایید کمی ادامه دهیم. ببینیم با این چه کار دیگری می‌توانیم انجام دهیم.

من باید... بله، تمایز بین تورات و... باشه، ما این کار رو کردیم. بیا به کم جلوتر بریم. ما به جورایی افقی... آره، کیتی.

نه، نه، بفرمایید. سوال خوبی است، و الان به آن پاسخ می‌دهم چون احتمالاً بعداً فراموش می‌کنم به آن پاسخ دهم، هرچند قرار است کمی بعد به آن بحث مجازات‌های «مقید به معیار» برگردیم. چیزی که این طرح برای آن طراحی شده است، حداقل آنطور که من و دیگر افرادی که در این مورد می‌نویسند، آن را درک می‌کنیم. یک سیستم دادگاهی است.

خداوند برای قوم خود نحوه‌ی عملکرد امور را تعیین می‌کند تا بتوانند با مشکلات جامعه مقابله کنند. و بنابراین، سیستم دادگاه وجود دارد. و اساساً، این نشان می‌دهد که مجازات باید به همان اندازه‌ی جرم باشد.

چون گرایش ما در غیر این صورت چیست؟ اگر به من ضربه بزنی، سرت را از بدنت جدا می‌کنم. منظورم این است که، فقط به تعاملات نگاه کنید. اگر چیزی اشتباه پیش برود، معمولاً واکنشی وجود دارد که یک واکنش افراطی است.

و بعد یک واکنش دیگر، یک واکنش افراطی، وجود دارد و شما این دشمنی ساختمانی مداوم را دارید که واقعاً یک تجارت زشت است. چیزی که اتفاق می‌افتد، هم در قانون حمورابی، درست است، و هم در متن کتاب مقدس این است که، نه، ما قرار است عدالت متعادل داشته باشیم. ماهیت جرم باید متعادل باشد.

در مجازات زیاده‌روی نشده است. کاری که عیسی وقتی شروع به خواندن متی فصل ۷ می‌کنید انجام می‌دهد، این است که می‌گوید در تعاملات شخصی، خب، پس اینجا یک تفاوتی وجود دارد. در تعاملات شخصی‌تان، شما اینطور واکنش نشان نمی‌دهید.

در عوض، شما به طرز باورنکردنی همه چیز را وارونه می‌کنید. شما کاری را انجام می‌دهید که کاملاً برخلاف طبیعت انسان است، و آن این است که می‌بخشید، گونه دیگر را برمی‌گردانید و غیره و غیره. بنابراین، او به هیچ وجه اصل قضایی را زیر سوال نمی‌برد.

حداقل من این را تا حدودی می‌فهمم. و باز هم، این بخشی از موعظه‌ی بالای کوه است، که اگر موعظه‌ی بالای کوه را خوانده باشید، و البته، همه شما آن را خوانده‌اید چون با دکتر گرین در عهد جدید بوده‌اید. موعظه‌ی بالای کوه، یک وارونه‌سازی پس از دیگری است.

داره بهمون میگه، می‌دونی، باید یه زندگی کاملاً متفاوت از گرایش‌های طبیعی‌ات داشته باشی. ترور؟ برای یه متنی که اینقدر جهانیه، چی؟ آه، سوال خیلی خوبیه. یه لحظه دیگه به این موضوع می‌پردازم.

سوال خیلی خوبی است. اگر ظرف پنج یا ده دقیقه به طور رضایت‌بخشی به آن رسیدگی نکردم، دوباره آن را مطرح کن. خب، سوال خوبی است.

چون، می‌دانید، شما در مورد مرزهای فرهنگی صحبت می‌کنید، بیایید به این سوال خاص نیز نگاهی بیندازیم. همانطور که گفتم، در اینجا ما در مورد بحث عدالت اجتماعی بنی‌اسرائیل صحبت می‌کنیم. و ما در قرن بیست و یکم هستیم، درست است؟ تفاوت‌هایی وجود دارد.

بیایید ببینیم آیا می‌توانیم چهار یا پنج نکته را که تفاوت آشکاری بین آنچه در کلاس مدنی کلاس نهم آموخته‌اید و آنچه از خواندن سفر خروج اسلش تثنیه به دست می‌آورید، مشخص کنیم. برخی از این تفاوت‌ها چیست؟ الان به جزئیات فکر نکنید. کمی کلی فکر کنید.

چلسی؟ خب، پس ما شاهد اجرای بسیار بیشتری از مجازات اعدام در تورات هستیم. حالا، جالب اینجاست که برخلاف ما، ما در مورد مجازات اعدام بالا و پایین می‌پریم. گاهی اوقات وجود دارد.

بعضی وقت‌ها اینطور نیست، که ما را به یک تفاوت کامل دیگر می‌رساند، که همان سیستم زندان است. اما من به آن برمی‌گردم. بله، به آن برمی‌گردیم.

نکته خوبیه. مری؟ البته، من گمان می‌کنم اگر بنشینیم و چیزهایی را که وکلا باید بخوانند بخوانیم، مقدار نگران‌کننده‌ای از جزئیات را می‌بینیم، می‌دانید، صدها و صدها و صدها. اما بله، اینجا جزئیاتی وجود دارد.

کاملاً درسته. کاملاً درسته. سارا؟ خب، ما یک قانون اساسی داریم، و مخصوصاً منشور حقوق، که بار مثبتی داره.

ضمناً، به نظرم بخش قابل توجهی از تورات هم بار مثبت دارد. اما حق با شماست. هدف مطالبی که می‌خوانیم در رابطه با ساختاردهی به رفتار اجتماعی و برخورد با تخلفات خواهد بود. بدیهی است که اینجا جرم است، اینجا لحن مجازات

چیز دیگری هم هست؟ بگذارید اینطور بپرسم. همانطور که می‌خوانید، به خصوص نیمه دوم خروج ۲۱، در مورد گاوها و اموال، این چه نوع جامعه‌ای را توصیف می‌کند؟ مطمئناً صنعتی شهری نیست، درست است؟ بنابراین، ما در مورد دو نوع ساختار اجتماعی مختلف صحبت می‌کنیم. آن یک جامعه کشاورزی است و بسیاری از مسائل در قالب مسائلی ارائه می‌شوند که در رابطه با خسارات و اموال و تخلفات در چارچوب چیزی روستایی آشکار می‌شوند.

ما آن را روستایی می‌نامیم. در حالی که بیشتر جمعیت ما در شهرها زندگی می‌کنند، آنها شهری هستند و ما یک پایه اقتصادی صنعتی داریم. چیز دیگری هم هست؟ چه کسی در آن ساختار اجتماعی اقتدار دارد؟ شما را در این مورد خوانده‌اید Youngblood فصلی از کتاب.

این خداست. بله، این یک حکومت دینی است، اینطور نیست؟ این یک حکومت دینی است، به این معنی که خدا حاکم نهایی است. بله، تحت حکومت خدا، ما پادشاه، پیامبر، کاهن و آن مناصب را داریم.

اما خدا حاکم ماست. حکومت ما چیست؟ احتمالاً، این یک دموکراسی است، که اتفاقاً، اگر تعریفی از دموکراسی بخواهید، به معنای حکومت اوباش است. حکومت مردم است.

دارم رک و راست می‌گویم. این حرف من نیست. اون حرف یه خانمه که یه کتاب خیلی جالب به اسم حماسه عدن نوشته، و داره درباره تفاوت‌های بین دموکراسی و حکومت دینی صحبت می‌کنه.

و او می‌گوید، وقتی از دموکراسی صحبت می‌شود، منظور حکومت اوباش است. بنابراین، می‌توانید این را بپذیرید یا نه. آیا چیز دیگری هم هست که متفاوت باشد؟ سارا.

درست است. روش‌های مختلفی برای برخورد با مجازات وجود دارد، که مهم‌ترین آنها سیستم گسترده زندان‌های ماست، که ممکن است خوب باشد یا نباشد. تنها کاری که باید انجام دهید این است که برخی از مباحث جامعه‌شناختی را در مورد آنچه در زندان‌ها می‌گذرد بخوانید، و باید از خود بپرسید که آنها واقعاً چقدر مفید هستند.

اما به هر حال، در تورات، آیا چیزی شبیه به زندان وجود دارد؟ می‌دانید، بیشتر آن مجازات فوری بود. شما گناهکار بودن فرد را تشخیص می‌دهید و اگر چیزی دزدیده باشد، چهار یا پنج، دو یا هر چقدر جریمه‌اش می‌کنید. یا مجازاتی وجود دارد که مجازات اعدام است.

اما آیا هیچ شباهتی به زندان وجود دارد؟ کیت. بله، شهر پناهگاه است، درست است؟ شهر پناهگاه، که برای چه چیزی است؟ ترور. بله، یک قتل غیرعمد، که، می‌دانید، اساساً، شهر پناهگاه دقیقاً همین است.

این [این قانون] برای محافظت از آن شخص طراحی شده است، زیرا در غیر این صورت، چه کسی به عنوان انتقام گیرنده خون از راه خواهد رسید؟ و دوباره، ما شاهد تشدید [این وضعیت] خواهیم بود که قبلاً در مورد انتقام خون برای مرگ یک شخص صحبت کردم. خب، آیا تفاوت‌های دیگری وجود دارد که باید به آنها اشاره کنیم؟ یک مورد وجود دارد که شما زنان باید آنتن‌هایتان را روی آن تکان دهید. برخی تفاوت‌های جنسیتی وجود دارد، اینطور نیست؟ احتمالاً ما یک فرهنگ داریم، و البته، این در حالت ایده‌آل همیشه صادق نیست، اما احتمالاً ما فرهنگی داریم که در آن زنان از حقوق برابر با مردان برخوردارند.

چرا اوضاع آن زمان اینقدر متفاوت است؟ چون واقعاً متفاوت است. آیا کسی می‌خواهد وارد این میدان مین کوچک شود؟ نکته اینجاست. اگر زنی تحت حمایت پدر، برادر یا شوهرش نبود، محکوم به گرسنگی بود.

در آن بافت‌ها، زنان مستقل زندگی نمی‌کردند. بنابراین، با آن نوع خاص از ساختار اجتماعی در این ساختار خانوادگی بزرگ‌تر، که ما آن را بیت اب، خانواده گسترده می‌نامیم، زنان صرفاً برای زنده ماندن، باید تحت حمایت پدر، برادر یا شوهر باشند. این نیز تفاوت‌هایی ایجاد می‌کند.

حالا، وقتی که در مورد مسئله‌ی ناخوشایند ازدواج‌های سیاسی صحبت کنیم، بعداً به کل مسئله‌ی جنسیت برمی‌گردیم. اما فعلاً، بیایید همین‌جا رهاش کنیم. خوب، باید کمی جلوتر برویم.

فقط یک پیشنهاد در مورد برخی اصول بین فرهنگی که می‌خواهیم هنگام خواندن این مطالب در نظر داشته باشیم. به عبارت دیگر، اکنون متوجه تفاوت‌های زیادی شده‌ایم. بیایید فقط به مواردی فکر کنیم که شباهت‌های خاصی دارند.

تورات قاطع است. عدالت باید متعادل باشد. در واقع، اصل «مقیاس به مقیاس» سه بار تکرار می‌شود.

خروج ۲۱، لاویان ۲۴ و تثنیه ۱۹، همه در پاسخ به شرایط متفاوتی هستند. بنابراین، قرار است ما این ایده را درک کنیم، می‌دانید، این ایده عدالت متعادل، که بسیار مغایر با طبیعت انتقام‌جوی انسانی ماست. لمخ را در پیدایش به خاطر دارید؟ متن اینجا بر آن تأکید می‌کند.

بنابراین، باید متعادل باشد، به درستی اعمال شود، نه اینکه به نفع یک طبقه یا طبقه دیگر منحرف شود. می‌دانید، می‌گوید از ثروتمندان طرفداری نکنید، اما همچنین می‌گوید از فقرا هم طرفداری نکنید. در اینجا باید به طور مساوی اعمال شود.

جالب اینجاست که برای اعمال مجازات، به ویژه مجازات اعدام، به دو یا چند شاهد نیاز است. دو یا چند شاهد کاملاً ضروری بودند، یا نمی‌توانستند، و آن شاهدان باید با هم توافق می‌کردند.

وقتی به قرن اول می‌رسیم، و البته، مثال بارز ما محاکمه عیسی است، که در آن نمی‌توانند شاهدان را به توافق برسانند. اما در آن زمان، خاخام‌ها یک سیستم بسیار پیچیده ایجاد کرده بودند تا مطمئن شوند که شاهدان کلمه به کلمه با هم توافق دارند وگرنه بر مجازات اعدام تأثیری نخواهند گذاشت. بنابراین، در سیستم دادگاه خاخام‌ها، در واقع چیز زیادی برای اجرای واقعی مجازات اعدام وجود نداشت، زیرا آنها بسیار محتاط بودند.

و در واقع، جنبش خاخام‌ها خیلی سخت تلاش کرد تا راه‌هایی برای جلوگیری از مجازات اعدام و انجام کار دیگری به جای آن، مانند جریمه، پیدا کند. خوب، مراقبت از محرومان. سه کلمه‌ی الگو، و شما آنها را بارها و بارها می‌بینید.

بیوه‌ها، بیگانگان، یتیمان. کسانی که بی‌بضاعت، آسیب‌پذیر و هیچ وسیله‌ی حمایتی برای خود ندارند. باز هم، این همان ساختار اجتماعی است.

کسی که بیوه است هیچ وسیله‌ی حمایتی ندارد. و بنابراین، اگر بخواهید، قرار بود دولت از آنها مراقبت کند. و این یک نگرانی واقعی بود.

و نه تنها این، بلکه موجودات فضایی. چرا اینقدر نگران موجودات فضایی هستید؟ متن از نظر دلیل چه می‌گوید؟ اوه خدای من، یک اسم، کمک کن. کری، ادامه بده.

بله، دقیقاً همینطور است. اصل این است که همه شما در مصر بیگانه بودید. می‌دانید که اوضاع چگونه است.

شما باید با افرادی که در میان شما غریبه هستند، به گونه‌ای رفتار کنید که با آنها مهربان و حامی باشید، نه اینکه آنها را به بردگی بکشید. عالی. و در نهایت، به کرامت انسانی اهمیت دهید.

مثلاً اگر کسی را مجازات می‌کردند، نه اینکه او را تا حدی مجازات کنند که به انسانیت تبدیل شود. بنابراین، در این مورد محدودیت‌هایی وجود دارد. می‌دانید، بیش از ۴۰ ضربه شلاق و چیزهایی از این قبیل مجاز نیست. تا کرامت انسانی حفظ شود.

خب، آماده‌ایم که ادامه بدیم؟ فکر کنم به سوالی اینجا هست. بله، بعضی از مسائل چالش‌برانگیز چی هستن؟ خب، ما به چندتا شون اشاره کردیم. شما چه مسائل دیگه‌ای به ذهنتون می‌رسه؟ وقتی اینو می‌خونید چی باعث می‌شه بگید، اوه، فکر نمی‌کنم واقعاً از این خوشم بیاد؟ خب، ترور، یه دقیقه دیگه برمی‌گردیم به سوالت.

جلسی. درست است. کل مسئله وجود برده‌داری از یک طرف، و از طرف دیگر اینکه چگونه با یک برده به عنوان فردی بی‌ارزش‌تر از کسی که آزاد است، و به خصوص یک اسرائیلی آزاد، رفتار می‌شود.

چیزی غیر از برده‌داری هست؟ کیتی. خیلی وقت‌ها از مجازات اعدام صحبت شده. عالی، عالی.

این به مذاق ما خوش نمی‌آید، نه؟ حالا، دوباره، من قصد ندارم خیلی وارد این مسیر شوم، اما به شما پیشنهاد می‌کنم که ممکن است واقعیت سیستم زندان‌های ما به همان اندازه غیرانسانی باشد. فقط یک پیشنهاد است، اما می‌دانم که این یک بحث طولانی، طولانی و طولانی است. سوزانا.

بله، حالا این قانون حمورابی است، بنابراین لازم نیست خیلی نگران آن باشیم. وقتی او گفت دختر یک مرد به خاطر تخلف او کشته می‌شود، این تورات نیست. اما باز هم، منظورم این است که اینجا مسائل جنسیتی جالبی مطرح می‌شود، اینطور نیست؟ ما قبلاً به آنها اشاره کرده‌ایم.

خب، بیایید ادامه دهیم و ببینیم با بعضی از این چیزها چه می‌توانیم بکنیم. این نموداری است که می‌خواهم کمی وقت بگذارم و توضیح دهم، که چه نوع پاسخی به چیزی که می‌گویی می‌دهد، ترور، من تاریخ را اینجا به شما داده‌ام، شخصی به نام ویلیام وب.

فکر کنم اسمش هست. عنوان کتاب یادم نیست، اما می‌تونی اسمش رو سرچ کنی. ما تو کتابخونه داریمش. می‌دونم. فکر کنم اسمش «بردگان، زنان و همجنس‌گرایی» باشه.

مطمئنم که عنوان کتاب همین سه عنصر است، اما اینکه چطور همه آنها کار می‌کنند، کاملاً مطمئن نیستم. اما به هر حال، بفرمایید. او چیزی را پیشنهاد می‌کند که آن را یک جنبش رستگاری بخش هرمنوتیک می‌نامد.

خب، بیایید ایده را بفهمیم. جنبش‌های بخش از نظر هرمنوتیک. به عبارت دیگر، چیزهایی که در تورات می‌خوانیم، بازتاب‌های ایستا از یک اصل همیشگی نیستند.

بیایید ببینیم این چطور کار می‌کند. اینجا، فرهنگ اصیل. به عبارت دیگر، من مطالب حمورابی را برای شما خوانده‌ام که بازتابی از فرهنگ باستانی گسترده‌تر خاور نزدیک در هزاره دوم است.

حالا، به طور کلی، به طور کلی، چون ما ۴۰۰ سال اختلاف داریم، اما فرهنگ اصلی ما چیزهای خاصی دارد که به آنها اشاره کردیم، چیزهای خاصی که ما را کمی نگران می‌کرد. در آن فرهنگ، بیشتر به سمت ایده‌آل اینجا

، اخلاق نهایی، ایده آل، آن چیزی است که همه چیز باید باشد Z برود، و Z به X چون قرار است پیکان ما از را داریم. اینها کلماتی هستند که در Y، چیزی که روح قانون به آن اشاره می کند. جایی در امتداد آن پیوستار فرهنگ خاص بنی اسرائیل بیان شده اند.

اگر بخواهیم شریعت موسی، مطالب تورات، مطالبی که در سینا گفته شد را در نظر بگیریم، در آن زمان خاص تاریخ گذاری می شوند. در زمان منجمد شده اند. آنها در زمان منجمد شده اند زیرا در آن زمان کلمات گفته شده اند و آنها چیزی از تصویر فرهنگی بزرگتر را منعکس می کنند.

آیا من منظورم را می فهمم؟ ضمناً، این یک سوال انشایی عالی است. اگر آن را نفهمیدید، از من بخواهید که برگردم و دوباره آنچه را که در موردش صحبت می کنم، تکرار کنم. این موضوع از تصویر فرهنگی بزرگتر بسیار فراتر است.

، بیاید ایده برده داری را در نظر بگیریم. جالب اینجاست که فقط در متن کتاب مقدس آمده است. بله. برده داری هنوز وجود دارد.

این بخشی از کل تصویر فرهنگی است. بخشی از نظام اقتصادی است، اما جالب اینجاست که فقط در متن تورات است که اربابان باید نگران آن باشند. آنها موظفند نگران رفاه بردگان خود باشند.

بله، آنها هنوز هم دارایی نامیده می شوند. ما هنوز اینجا نیستیم، اما ارباب باید نگران رفاه آن برده باشد، و سیستمی برای آزاد کردن آنها وجود دارد، و وقتی آزاد می شوند، چگونه آزاد می شوند؟ آنها با دارایی آزاد می شوند. اگر بخواهید، آنها با آذوقه آزاد می شوند.

خب، کمی جلوتر است. حالا، وب پیشنهاد می کند که تقریباً به اینجا برسیم، و اتفاقاً در همین جا، بسته به اینکه ما پیرو عهد عتیق باشیم یا عهد جدید، عهد جدید قرار است مسئله برده داری را کمی جلوتر ببرد. شما پولس را دارید، که در مورد فیلیمون نمی گوید او را آزاد کنید، اما مطمئناً این را پیشنهاد می کند، اینطور نیست؟ و چیزهایی که او به اونیسوس می گوید در این جهت بسیار قوی هستند، درست است؟ به این نقطه می رسیم که او پیشنهاد می کند که روی هم رفته، روی هم رفته، ما کمی به ایده آل نزدیک تر شده ایم، زیرا وقت داشته ایم که برخی از این موارد را تمرین کنیم.

حالا، دلیل اینکه او می گوید، روی هم رفته، این است. مواردی وجود دارد که ساختارهای اجتماعی خاص ما و دولت ما و غیره، لزوماً اخلاق بهتری را در قوانین و چیزهایی که بخشی از سیستم حقوقی ما هستند، نسبت به متن کتاب مقدس منعکس نمی کنند. یک مثال کلاسیک می تواند کل مسئله سقط جنین باشد.

نگرانی زیادی برای حیات در آن وجود ندارد. احتمالاً این یک بازگشت به عقب در جایی همین اطراف خواهد بود. و می توانید به مسائل دیگری نیز فکر کنید، که در آنها می توانید بگویید، خب، می دانید، جایی که الان نیست. ممکن است جایی در همان عقب باشد Z و Y هستیم لزوماً اینجا بین

را منعکس کند، یک هشدار مهم است. نکته این است که همه اینها، همه Y بنابراین، اگر این اخلاق بهتر از اینها به سمت آن آرمان نشانه رفته است. آیا یادتان هست دفعه قبل چه چیزی برایتان خواندم؟ در یکی از اهداف تورات، اشاره به چیزهای بهتر آینده است. عبرانیان ۱۰، آیه ۱، شریعت سایه ای از چیزهای بهتری است که در راهند.

و این دقیقاً همان چیزی است که این تفسیر رستگاری‌بخش به آن اشاره می‌کند. این تفسیر ما را به این فکر می‌کند که وقتی همه چیز به شکلی که قرار است احیا شود، احیا شود، آن شرایط ایده‌آل و بی‌نقص چه خواهد بود. حالا، آیا این منطقی است؟ مری، سوال

بله، البته. ضمناً، کتاب عبرانیان، همانطور که از مطالعه‌اش می‌دانید، کتابی جذاب است که نکات جالب زیادی از فرهنگ گسترده‌تر خودش در آن گنجانده شده است. اما از اصطلاح سایه استفاده می‌کند

تورات سایه‌ای از چیزهای خوب آینده است و نشان می‌دهد که آنچه در تورات داریم، طرح اولیه را به ما می‌دهد. این چیزی است که باید در شرایط خودمان، زندگی سقوط کرده خودمان در یک دنیای سقوط کرده، باشد. اما به آینده اشاره می‌کند که ایده‌آل چه خواهد بود.

و بنابراین، زمانی فرا می‌رسد که همه چیز درست خواهد شد. کل ایده شالوم، که کمی بیشتر در مورد آن صحبت خواهیم کرد، معنایی بسیار فراتر از صلح دارد. ما آن را صلح ترجمه می‌کنیم.

قشنگه، اما این بهترین کلمه دنیا نیست. یعنی همه چیز درست تنظیم شده. و از کلمه‌ای میاد که به معنی پرداخت کردن و مطمئن شدن از اینکه تمام پرداخت به طور کامل انجام شده

خب، کلی چیزهای جالب اینجا هست، ترور. چطور می‌تونی بین چیزی که از نظر فرهنگی مرتبطه و چیزی که به طور جهانی قابل اجراست، تمایز قائل بشی؟ اول یه جواب بی‌مقدمه می‌دم، و بعد چند دقیقه‌ای در موردش بحث می‌کنیم. یه کتابی هست که من تو کلاس مقدمه‌ای بر مطالعات کتاب مقدس ازش استفاده می‌کنم، «چگونه کتاب مقدس رو با تمام وجود بخونیم».

همچنین اصول جالبی ارائه می‌دهد زیرا او یک فصل کامل را به تورات اختصاص داده است. درست است؟ به نظر من بهترین راه برای فکر کردن به این موضوع این است که بگوییم در تمام این مطالب، ما اصولی داریم. و بنابراین، کاری که شما انجام می‌دهید این است که هر توراتی را که می‌خوانید، هر فصلی از کتاب مقدس را که در آن هستید، بخوانید و بگویید، بسیار خوب، ممکن است دیگر دور خانه‌هایمان جان‌پناه نسازیم، اما باید دور استخرهایمان نرده بکشیم.

و این همان اصل است، حفظ جان. بنابراین، شما با دقت به همه چیز نگاه می‌کنید و می‌گویید، آیا این چیزی است که قابل اجرا باشد؟ اگر باشد، عالی است. اگر مسئله نپوشیدن لباس‌هایی است که ترکیبی از کتان و کتان دارند، این ممکن است بازتابی از فرهنگ مصری باشد که از آن آمده‌اند.

حالا، ممکن است در سطح بسیار نمادین چیزی در مورد عدم اختلاط چیزها به ما بگوید، اما در واقع من خیلی در آن زیاده‌روی نمی‌کنم. به نظر من، این یک موضوع است، از نظر اینکه چگونه تعیین می‌کنید کدام موارد قابل اجرا هستند، با توجه به اینکه کدام قوانین و مقررات الگویی برای ظهور مجدد در سراسر کتاب مقدس دارند، درست است؟ برای اینکه یک موضوع کلاسیک اما بسیار بحث‌برانگیز و ناراحت‌کننده را در نظر بگیریم، متن کتاب مقدس به طور یکنواخت، یکنواخت، درست از پیدایش، درست تا عهد جدید قرن‌تینان، یهودا، به طور یکنواخت رفتار همجنس‌گرایانه را محکوم می‌کند. و بنابراین، شما می‌گویید، بسیار خوب، این چیزی است که هنوز بخشی از کاربرد ماست.

باید باشه. حالا، این یه مسئله خیلی مهمه که چطور در موردش فکر کنیم و باهاش کنار بیایم. آره، چلسی

بله، در مورد چگونگی عملکرد اختلاط در آن فرهنگ و دلالت‌های آن، مطالب زیادی وجود دارد. تنها چیزی که می‌خواهم در این مورد بگویم این است که، راستش را بخواهید، اطلاعات زیادی در مورد زیست‌شناسی

برخی از این موارد ندارم. فکر می‌کنم آنچه اینجا اتفاق می‌افتد، تأکید زیادی بر پاکی است، زیرا قوم خدا باید پاک و منزه باشند.

و من فکر می‌کنم نمادگرایی پشت آن، همان چیزی است که با آن اتفاق می‌افتد. بنابراین، می‌دانید، ما آن اصل و مضمون خاص را می‌گیریم و آن را به روشی که امروزه استفاده می‌کنیم، به کار می‌بریم. به نظر من، این امن‌ترین راه برای مقابله با آن است.

خب، آیا باید از جنبش رستگاری‌مان، یعنی هرمنوتیک، عبور کنیم؟ باید کمی در این مورد مهارت پیدا کنید، در موردش فکر کنید و هنگام خواندن برخی از این قوانین خاص از آن استفاده کنید. همانطور که گفتم، می‌توانیم این کار را خیلی سریع انجام دهیم. من با کمی قدرت بیشتر به برخی موارد خواهیم پرداخت، اما در کل، خیلی سریع از آن عبور خواهیم کرد.

من قبلاً اشاره کرده‌ام که این قانون در واقع برای جلوگیری از انتقام بیش از حد طراحی شده است. همانطور که قبلاً گفتم، این سه بخش با موقعیت‌های اولیه‌ی متفاوتی سروکار دارند، اما هر یک به این نتیجه می‌رسند که جایی برای انتقام بیش از حد وجود ندارد. مجازات و عدالت همیشه باید متعادل باشند.

سپس ما در متن، یک سیستم کاملاً واضح داریم. تثنیه ۱۶، همانطور که اینجا برای شما یادداشت می‌کنم، می‌توانید آن را خودتان بخوانید، در هر شهر داورانی را تعیین می‌کند. منطقی است، درست است؟ و بنابراین این یک چیز بسیار کاربردی است.

شما در هر شهری قضاتی دارید. با این حال، همانطور که تثنیه ۱۷ به ما اشاره می‌کند، اگر پرونده‌ای دارید که کمی بیش از حد دشوار است، آن را نزد قضات می‌بریم، و آنها فقط حدود دو سال است که قاضی خود را دارند و واقعاً مطمئن نیستند که پیچیدگی‌های این پرونده چگونه حل می‌شود. معادل یک دیوان عالی کشور وجود داشت.

حالا، چطور این کار انجام شد؟ آنها آن را به جایی که کاهنان بودند بردند. کاهنان در حضور صندوق عهد، خیمه و بعداً معبد بودند. چرا کاهنان توانایی ویژه‌ای برای پاسخ به این سؤالات داشتند؟ دوباره فکر کنید.

از قبل فکر کنید. از قبل فکر کنید. ما هنوز این را نمی‌دانیم.

ببخشید. کسی جواب این یکی رو می‌دونه؟ بله، عذرخواهی می‌کنم. راستش، آخر این هفته بهش می‌رسیم.

اما کاهن اعظم در لباس خود، لباس مخصوصی که هنگام خدمت در حضور خداوند می‌پوشید، در سینه‌بند که روی ایفود بود و آن را روی ردا می‌پوشید، دو چیز به نام اوریم و تزئینات، چراغ‌ها و تزئینات وجود داشت. من واقعاً نمی‌دانم که آنها چگونه کار می‌کردند، اما خروج ۲۸ به ما می‌گوید که آنها برای تصمیم‌گیری در حضور خداوند استفاده می‌شدند. و بنابراین، این یک تئوکراسی است، یادتان هست؟ و اگر قرار است آنچه را که در یک تئوکراسی دخیل است جدی بگیریم، آنگاه کاهنی که واسطه بین انسان‌ها و خدا است می‌تواند این موارد دشوار را به حضور خدا بیاورد و به طریقی که ما نمی‌فهمیم، پاسخی دریافت کند.

حالا، آن را نگه دارید، چون برمی‌گردیم و اوریم و تمیم انجام می‌دهیم. فکر کنم جمعه همین هفته باشد. عواملی که بر اجرای عدالت تأثیر می‌گذارند.

اگر بتوانم این کار را سریع انجام دهم، چون فکر می‌کنم قبلاً همه آنها را انجام داده‌ام، اینجا کمی بیشتر توضیح می‌دهم. عمدی در مقابل غیرعمدی، به خصوص در مورد کشتن کسی می‌دانید، اگر شما قصد انجام این کار را داشته‌اید، پس قتل است و مجازات اعدام در حال اجرا است.

اگر تصادفی باشد، می‌دانید، مثلاً به فرد خیلی محکم ضربه بزنید، و خدا را شکر، او از پا درمی‌آید. بعد، شهر پناهگاه وجود داشت. جنسیت

قبلاً مقداری از این را گفته‌ام، اما برای اینکه کمی بیشتر به آن پردازم، همانطور که خروج ۲۱ را می‌خوانید، بین آزاد کردن بردگان زن و آزاد کردن بردگان مرد تفاوت زیادی وجود دارد. بردگان مرد آزاد شدند. بردگان زن، نه به این راحتی.

چرا که نه؟ اگرچه تئیه برای این موضوع حکمی دارد، اما چرا که نه؟ اگر آنها از حمایت خانواده برخوردار نبودند، این امر آنها را در موقعیت آسیب‌پذیر قرار می‌داد و این نکته‌ای است که باید در نظر داشت.

حال، با خواندن دقیق آن متن در خروج ۲۱، می‌بینید که اغلب اوقات، این زن جوان به بردگی فروخته می‌شد و معمولاً به این دلیل است که شرایط اقتصادی خانواده پدرش واقعاً متزلزل بود. و بنابراین، او نه به عنوان یک چیز بد، بلکه در واقع اغلب اوقات برای ازدواج با خانواده پذیرنده به بردگی فروخته می‌شد. بنابراین، از برخی جهات، این یک حرکت رو به جلو برای اوست، و این ممکن است بر این تفاوت از نظر آزاد شدن یا نشدن او نیز تأثیر بگذارد.

اگر او با پسر مالک ازدواج کرده باشد، این موضوع در آزاد کردن خودکار برده کمی مشکل‌ساز می‌شود. این ما را به بحث بردگان می‌رساند. باز هم، این چیزی است که ما دوست نداریم ببینیم، و دشوار است، اما مدل هرمنوتیک رستگاری بخش ما را در اینجا به خاطر داشته باشید.

برای برده‌ها پول پرداخت می‌شد. تقریباً مثل این است که با یک کارگر قرارداد ببندید. شما برای یک سال قرارداد می‌بندید.

من با کالج گوردون قرارداد امضا کرده‌ام. حداقل تا آگوست آینده باید برای کالج گوردون کار کنم، مگر اینکه البته، شرایط تخفیف‌دهنده‌ای وجود داشته باشد. و بنابراین، اگر بخواهید اینطور به آن فکر کنید، برده‌ها افرادی بودند که تحت قرارداد بودند.

البته، این موضوع آنقدرها هم بی‌خطر نیست. مسائل دیگری هم وجود دارد. اما نکته دوم چیزی است که می‌خواهم به آن اشاره کنم، و چیزی است که قبلاً هم به آن اشاره کرده‌ام.

مخفف آن است ANE هیچ قانون باستانی دیگری در خاور نزدیک وجود ندارد. این همان چیزی است که هیچ قانون باستانی دیگری در خاور نزدیک وجود ندارد که بسیار بسیار نگران محافظت از بردگان در برابر آنچه مالکان ممکن است با آنها انجام دهند، نگران رفاه برده و همچنین وظیفه ارباب در قبال رفاه برده باشد.

بنابراین، این یک حرکت رو به جلو در مسیر ما به سمت ایده‌آل است. و شاید شما هم متوجه شده باشید که من هنوز به این موضوع اشاره نکرده‌ام، اما تفاوت‌هایی بین اسرائیلی‌ها و بیگانگان وجود دارد. و این تفاوت‌ها از جمله در کل حوزه بدهی‌ها، خود را نشان می‌دهند.

آیا می‌توان از بدهی‌ها بهره گرفت؟ و آنها مجاز به دریافت بهره از بنی اسرائیل نبودند، زیرا، البته، با افزایش بهره، چرا مردم به بردگی گرفته می‌شدند و چرا بدهکار بودند؟ زیرا آنها پول نداشتند. اگر بهره همچنان افزایش

یابد، چه اتفاقی می‌افتد؟ شما فقط بیشتر و بیشتر در بدهی فرو می‌روید. و بنابراین، دریافت بهره از هموطنان بنی‌اسرائیلی در چنین شرایطی غیرقابل قبول بود.

خب، پس چرا می‌توانید از خارجی‌ها بهره بگیرید؟ این پیشنهاد یک پیشنهاد اجتماعی-اقتصادی است. خارجی‌ها همان طبقه‌ی تاجر هستند. آنها در حال حرکتند.

آنها از طریق اسرائیل سفر می‌کنند. یادتان هست اسرائیل کجاست؟ سرزمینی است که بین این دو قرار دارد. مسیرهای تجاری بین‌المللی بزرگی از آنجا عبور می‌کنند و خارجی‌ها همیشه از آنجا عبور می‌کنند.

شما به یک خارجی مقداری پول قرض می‌دهید، اگر آنها در حال سفر به بین‌النهرین و مصر باشند، ممکن است دیگر هرگز او را نبینید. بنابراین، در چنین شرایطی بهره مجاز است. اول از همه، اگر طرف از طبقه تاجر باشد، احتمالاً به هر حال پول زیادی به دست می‌آورد.

اما دوم اینکه، این به جورایی بیمه‌ست. به جورایی بیمه‌ست. پس فقط این نیست که نمی‌تونی از خارجی‌ها هزینه بگیری چون خارجی هستن.

احتمالاً، حداقل تا حدی، به کل این ماجرا مربوط به آن نوع خارجی‌هایی است که در واقع پول قرض می‌گیرند البته، این همه مشکلات را حل نمی‌کند، اما حداقل شاید کمی بیشتر به ما دیدگاهی در مورد برخی از این مسائلی که در واقع بر اجرای عدالت تأثیر می‌گذارند، می‌دهد. تا اینجا که خوب بوده؟ بسیار خوب.

این هم یکی دیگر. فکر کردن به آن کمی سخت است—مجازات اعدام.

و بله، این موضوع بیشتر از آنچه ما در بافت فرهنگی غربی بیست و یکم خود می‌بینیم، خود را نشان می‌دهد. اما یکی از چیزهایی که فکر می‌کنم باید به آن توجه کنیم این است که شاید، و این را خیلی با دقت می‌گویم، و باز هم می‌گویم، شایسته بحث بسیار بیشتری است، اما از برخی جهات، مجازات اعدام ممکن است، مهربانانه‌تر از برخی از چیزهایی باشد که ما به عنوان مجازات ابداع کرده‌ایم. من فقط پیشنهاد می‌کنم، دوباره، بحث بیشتری در این مورد انجام شود.

یکی از کارهایی که آنها خیلی مراقب بودند این بود که هر چه سریعتر مجازات اعدام را اجرا کنند. سنگسار یک راه سریع برای انجام آن بود. این به معنای پرتاب سنگ‌های کوچک به سمت مردم نیست.

به معنی سنگ‌های بزرگ و عظیم است، و تمام شد و تمام. جسد را به درختی آویزان کردند. این یک مفهوم الهیاتی بسیار جالب دارد.

تثنیه، فصل ۲۱، آیه ۲۳ می‌گوید کسی که جسدش بر درخت آویزان شده باشد، مورد نفرین خداست. فکر می‌کنم وقتی در مورد پیدایش ۲۲ و تصویری که از قوچ گرفتار در بیشه می‌بینیم صحبت کردیم، به این موضوع اشاره کردم. ما این موضوع را تا انتها بررسی خواهیم کرد.

این یک نوع رشته‌ی کوچک است که در متون تاریخی ما در عهد عتیق وجود دارد. ما قصد داریم آن را تا جایی که پولس در غلاطیان ۳:۱۳ می‌گوید، ببینیم، همانطور که او در مورد عیسی و مصلوب شدن صحبت می‌کند. نفرین شده است هر کسی که به دار آویخته شود.

شلاق زدن یا سایر تنبیه‌های بدنی نمی‌توانست زیاده‌روی باشد. همانطور که گفتم، کمتر از ۴۰ ضربه شلاق، به طوری که فرد کاملاً تحقیر یا کاملاً تکه‌تکه نشود، اساساً. سایر روش‌های تنبیه بدنی.

یک متن خیلی جالب هست. فکر کنم تثنیه ۲۵ باشه. من کاملاً مطمئنم که اگر زنی برای پایان دادن به دعوی بین دو مرد وارد عمل شود و با دستش به بیضه‌های مرد ضربه بزند، چه اتفاقی برای دستش می‌افتد؟ دستش قطع می‌شود.

احتمالاً به این دلیل که او احتمالاً منبع حیات و نسل او را به خطر انداخته است. البته، این موضوع در آن فرهنگ، بیش از آنچه در فرهنگ ما وجود دارد، پیامدهای مختلفی دارد. بنابراین این پیشنهاد احتمالی است.

و البته، اگر او این کار را کرده باشد، نمی‌توانید برای او مجازات بی‌قید و شرط در نظر بگیرید، درست است؟ منظور را می‌فهمید، نه؟ جبران خسارت. اگر چیزی را بدزدید، اصطلاحی که بارها و بارها تکرار می‌شود، یک Shalem y'shalem. جفت کلمه و فعل عبری است.

او مطمئناً تاوان خواهد داد. کسی که گناهکار است. او مطمئناً تاوان خواهد داد.

باز هم، در این میان، اصلاح امور، یعنی دستیابی به وضعیت شالوم با انجام این پرداخت، این پرداخت کاملاً ضروری و ضروری، گنجانده شده است. بسته به آنچه دزدیده شده است، آنها با دو برابر یا شاید چهار یا پنج برابر، اصلاح را انجام می‌دهند. هرچه عدد بزرگتر باشد - بدیهی است که این چهار برابر، به خصوص پنج برابر برای حیوانات برابر است -

می‌دانید، حیواناتی که کارهای بزرگی انجام می‌دادند. آنها سرمایه‌گذاری‌های اقتصادی بودند. آنها دزدیده می‌شوند.

اگر گاو یا گاو نر یا چیزی شبیه به آن را از دست داده باشید، واقعاً زمان زیادی را از دست داده‌اید. به همین دلیل است که وقتی آن چیز دوباره احیا شود، جبران خسارت بسیار زیاد است. بسیار خوب.

ما قبلاً به شهرهای پناهگاه اشاره کرده‌ایم، که وقتی در مورد میراث قبیله‌ای و محل قرارگیری این شهرها و دلیل آن صحبت می‌کنیم، بیشتر در مورد آنها صحبت خواهیم کرد. مسائل جغرافیایی جالبی در اینجا وجود دارد. بسیار خوب.

بریم سراغ ادامه. می‌خوام خیلی سریع به این موضوع بپردازم. درسته؟ این جور پرونده‌ها

اساساً مطالبی را که در این فصل‌ها خوانده‌اید و برای امروز خوانده‌اید، خلاصه می‌کند. خوب، یک دسته‌بندی در مورد آسیب‌های بین فردی وجود دارد. ببخشید

بیا بید دوباره امتحان کنیم. روابط بین فردی، اولین مورد آسیب است. و این شامل همه چیز از زدن افراد گرفته تا ایجاد مرگ می‌شود.

همچنین در این دسته، تمام مسائل مربوط به ازدواج و طلاق قرار دارند. ضمناً، بحث در تثنیه ۲۴ در مورد طلاق و دلایل طلاق، مبنایی را برای فریسیان فراهم می‌کند تا وقتی که از عیسی سوال می‌کنند، از او بپرسند. شاید این را در متی ۱۹ به خاطر داشته باشید.

تحت چه دلایلی یا به چه دلایلی یک مرد می‌تواند همسرش را به طور مناسب طلاق دهد؟ این نشان دهنده بحث مداوم فریسیان در مورد تثنیه ۲۴ است زیرا کلمه‌ای در آنجا وجود دارد که تفسیر آن کمی دشوار است. معنی آن چیست؟ آیا به معنای رفتار جنسی نامناسب، زنا و غیره است؟ یا به erva کلمه عبری

سادگی به معنای ناخوشایند است؟ این کل مسئله‌ای است که وقتی آن افراد نزد عیسی می‌آیند و آن سوال را می‌پرسند، مورد بحث قرار می‌گیرد.

او طرفدار زنا و بدرفتاری جنسی است. در هر صورت، سوءاستفاده خانوادگی، خسارت به اموال، ضرر و زیان و همه این نوع چیزها بخشی جدایی‌ناپذیر از فرهنگی است که مبتنی بر دغدغه‌های کشاورزی روستایی است.

ما قبلاً در مورد سرقت از نظر پرداخت یا بازپرداخت صحبت کرده‌ایم. البته تمایز بین دزدی، دزدیدن اشخاص از یک سو، آدم‌ربایی که همانطور که قبلاً گفتیم مجازات آن اعدام است، و صرفاً سرقت اموال است. توجه داشته باشید که متن به برخی از مسائل اقتصادی نسبتاً اساسی می‌پردازد.

دستمزدها، باید منصفانه باشند. باید به آنها پرداخت شود.

بدهی، برده‌داری، قرض دادن پول، همه اینها، و بعد حقوق ارث هم، که در آن چیزی را که از قبل از داستان‌های پیدایش می‌دانیم یاد می‌گیریم که حقوق ارث به فرزند اول می‌رسد، و شما دو برابر آن به فرزند اول داده می‌شوید. خوب، من باید حداقل چند دقیقه اینجا در مورد مسائل مربوط به منافع ملی صحبت کنم. او به بیابید اول وظایف پادشاه را انجام دهیم.

و اینجا من متن را می‌کشم و می‌خوانم، چون می‌خواهم شما در موردش فکر کنید. شاید همین الان که آن را برای امروز می‌خوانید، به آن فکر کرده باشید. در تثنیه، فصل ۱۷، درست بعد از بخش مربوط به نقل قول، نقل قول نشده، دیوان عالی کشور، مطلب زیر را داریم.

وقتی وارد سرزمینی می‌شوید که خداوند، خدایتان، به شما می‌دهد و آن را تصرف کرده‌اید، می‌گویید: «بیابید، مانند تمام ملت‌های اطرافمان، پادشاهی بر خود بگذاریم.» حالا شاهد وقوع این اتفاق خواهیم بود. و البته این بهترین طرح نیست، اما این چیزی است که اتفاق می‌افتد.

و می‌گویید، بسیار خوب، پادشاه را نیکو و درستکار بگذار. آیه ۱۶، او نباید اسب‌های زیادی داشته باشد. آیه ۱۷، او نباید زنان زیادی بگیرد.

آیا لحظه‌ای در این مورد فکر می‌کنی؟ وگرنه قلبش گمراه خواهد شد. او نباید مقادیر زیادی نقره یا طلا جمع کند. این نبایدها ما را به یاد سلیمان می‌اندازد.

و ما در مورد سلیمان صحبت خواهیم کرد. سلیمان واقعاً توسط همسرانش گمراه شد و او در پاسخ به این همسران، چیزهایی برای پرستش خدایان بیگانه ساخت. در این مورد مطالب بیشتری برای گفتن خواهیم داشت.

جالب اینجاست که او همچنین مقادیر عظیمی نقره و طلا جمع‌آوری می‌کند. خوب، بیابید به جنبه مثبت ماجرا نگاه کنیم. او قرار است برای خودش طوماری از نسخه‌ای از این قانون بنویسد.

این برای این است که با او باشد. او باید آن را در تمام روزهای زندگی‌اش بخواند تا یاد بگیرد که به خداوند، خدای خود احترام بگذارد و با دقت از تمام کلمات این تورات پیروی کند و خود را بهتر از برادرانش نداند. متأسفانه، یکی از اتفاقاتی که هنگام خواندن تاریخ می‌افتد، و به زودی این کار را خواهیم کرد، این است که تورات برای دهه‌ها از بین می‌رود.

و بنابراین، البته، پادشاه آنطور که باید از این امر پیروی نمی‌کند. همچنین شروطی در مورد رفتن به جنگ وجود دارد که بسیار جالب هستند. تثنیه ۲۰.

بگذارید کمی آنها را بخوانم. پادشاه شخصیت اصلی نیست زیرا مردم به جنگ می‌روند. آیا متوجه این شدید؟، وقتی قرار است وارد جنگ شوید، کاهن جلو می‌آید و خطاب به ارتش صحبت می‌کند و می‌گوید: ای اسرائیل، بشنوید، شما به جنگ با دشمنان خود می‌روید.

سست و ترسان مباش. وحشت نکن. خداوند کسی است که با تو می‌آید.

اما بعد مأموران از راه می‌رسند، و چه می‌گویند؟ احتمالاً وضعیتی معادل با سریاز وظیفه‌ستیز ما وجود دارد. اگر کسی تازه ازدواج کرده باشد، اگر چیزی خریده باشد، می‌تواند به خانه برگردد. او به طور خودکار به خدمت سریازی اعزام نمی‌شود.

و حتی فراتر از آن، اگر او بترسد. متن حتی برای کسی که از رفتن به جنگ می‌ترسد نیز چنین مقرر می‌دارد: «برگرد، به خانه برو»

بنابراین، این تمهیدات برای رفتن به جنگ، جنبه‌های بشردوستانه‌ی زیادی در خود دارند. وقتی برای حمله به شهری لشکرکشی می‌کنید، ابتدا پیشنهاد صلح بدهید. اگر آن را نپذیرفتند، آنگاه به مسائل جنگ رسیدگی کنید.

حالا، چیزهای بیشتری در این مورد وجود دارد، اما به دلیل کمبود وقت، اجازه می‌دهم خودتان آن را بخوانید. اینها نکات کلیدی هستند که می‌خواهم هنگام شروع فصل ۲۰ به آنها توجه کنید. باز هم، فصل ۲۰ چیزهای بیشتری دارد.

این بسیار مهم است، زیرا در این بخش خاص، یا این بخش‌های تورات اجتماعی، چیزهایی می‌بینیم که به نظر من بسیار مفید هستند، اصولی که شاید بتوانیم از جامعه باستانی اسرائیل بگیریم. اول از همه، بنی اسرائیل همیشه باید عشر می‌دادند. یک دهم، این بخشی از اصل بود.

بخشی از آن در واقع برای حمایت از ساختار عبادت، کاهنان و غیره بود. اما به این شرط خاص توجه کنید. در پایان هر سه سال، ده یک محصول آن سال را بیاورید و در شهرهای خود ذخیره کنید تا لاویان، بیگانگان، یتیمان و بیوه زنان بیابند و بخورند و سیر شوند.

افرادی که از حق رأی محروم بودند، از جمله از طریق عشر (یک دهم) تأمین می‌شدند. بنابراین، مجموعه‌ای از مطالب وجود داشت که اگر بخواهیم آن را بیان کنیم، حکومت دینی در اختیار داشت و قرار بود آن را برای مراقبت از افرادی که از حق رأی محروم بودند، توزیع کنند. ثانیاً، شما جمع‌آوری [اطلاعات] را دارید.

البته این را در داستان روت، روایت روت، به عنوان نمونه می‌بینیم. اما خوشه‌چینی هم چیز مهمی بود. مهم نبود چه چیزی می‌کاشتند، چه گندم بود، چه زیتون، چه اهمیتی داشت؟ انگور، آنها نباید برای بار دوم خوشه‌چینی می‌کردند.

شما همه چیز را جمع نکردید. هر چه بود را برای مردم گذاشتید تا بروند و در مزارع خوشه‌چینی کنند، در باغ‌های انگور، مزارع انگور و باغ‌های زیتون خوشه‌چینی کنند - در واقع، کار اجباری.

آنها با کار کردن برای آن، روزی خود را به دست می‌آوردند. و البته، خیلی سریع، ما مراحل سال هفتم را نیز داریم. و من به شما اجازه می‌دهم که خودتان آن مطالب تثنیه ۱۵ را جستجو کنید.

اما نکته اصلی این است که هر هفت سال، بدهی‌ها بخشیده می‌شد و بردگان آزاد می‌شدند. این امر مانع از شکل‌گیری یک طبقه فرودست دائمی می‌شد، که بسیار مهم است.

خب، به چیز دیگه، فکر کنم. آره، شهرهای پناهگاه. بیا به این هم نگاهی بندازیم.

اینجا جایی است که می‌خواهم تفکرمان را به هم نزدیک کنم. به یاد داشته باشید، من در ابتدا و دفعه قبل هم گفتم که سه دسته تورات مرزهای سفت و سختی بین آنها نیستند. واضح است که همانطور که به آنچه امروز دیده‌ایم نگاه کرده‌اید، رابطه‌ای جدایی‌ناپذیر و غیرقابل تفکیک بین مسائل اخلاقی تورات در مورد زندگی، مسائل مربوط به رفاه، همه این نوع چیزها، رابطه بین آن و آنچه در قلمرو مدنی تورات می‌گذرد، وجود دارد.

ما این را در هر نکته‌ای که امروز در حین صحبت در مورد این موضوع مطرح کردیم، دیده‌ایم. دفعه‌ی بعد، همچنین خواهیم دید که تورات مدنی با تورات آیینی مرتبط است. ما قبلاً کمی در مورد آن، یعنی دادن عشر، صحبت کرده‌ایم.

همانطور که گفتم، ده یک عمل آیینی است که برای حمایت از خیمه معبد استفاده می‌شود. اما از نظر تورات مدنی نیز اهمیت دارد. خواهیم دید که این موضوع در مورد مسائل مربوط به روز سبت کمی بیشتر توضیح داده خواهد شد.

خیلی خب، وقتشه که تمومش کنیم. روز خوبی داشته باشید. روز خوبی برای جنرال الکتریک.